

When Plans Go Wrong: 3 Idioms in 5 Minutes

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

75 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Have you ever planned everything perfectly... and then watched it fall apart?

تا حالا همه چیز را عالی برنامه ریزی کرده اید... و بعد دیده اید که تمام برنامه به هم می ریزد؟

Oh yes.

بله.

Yesterday, in fact.

اتفاقا همین دیروز.

What happened?

چه اتفاقی افتاد؟

I planned a picnic for twelve people.

برای دوازده نفر پیکنیک برنامه ریزی کردم.

I made sandwiches and found the perfect place in the park.

ساندویچ درست کردم و بهترین جای پارک را پیدا کردم.

That sounds organised.

خیلی منظم به نظر می رسد.

It was.

همین طور بود.

Then the rain started, the park closed, and I dropped the sandwiches.

بعد باران شروع شد، پارک را بستند و ساندویچ ها از دستم افتاد.

All of them?

همه شان؟

Every single sandwich, Martin.

تک تک ساندویچ ها، مارتین.

So you were back to square one.

پس دوباره برگشتی سر نقطه اول: back to square one.

Exactly.

دقیقا.

[Listen to this episode - yourenglishtoolbox.com](https://yourenglishtoolbox.com)

Read the complete resource online

Content version: ep98-v11-8bfeec8b09a1



And that is our first idiom today: back to square one.

و این اولین اصطلاح امروز ماست: back to square one.

Welcome to Your English Toolbox.

به Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Martin.

من مارتین هستم.

And I am Julia.

و من جولیا هستم.

Today, you will learn three idioms for moments when life changes your plans.

امروز سه اصطلاح برای وقت‌هایی یاد می‌گیرید که زندگی برنامه‌هایتان را عوض می‌کند.

Back to square one.

Back to square one: برگشتن به نقطه اول.

A blessing in disguise.

A blessing in disguise: اتفاقی که اول بد به نظر می‌رسد اما بعد خوب از آب درمی‌آید.

And go with the flow.

و go with the flow: با شرایط پیش رفتن و سازگار شدن.

Three expressions, one disaster, and about five minutes of Slow English.

سه عبارت، یک خرابکاری و حدود پنج دقیقه انگلیسی آهسته.

Let us return to your wet picnic.

برگردیم به پیکنیک خیس تو.

Please do not call it my wet picnic.

لطفا اسمش را پیکنیک خیس من نگذار.

Fair enough.

باشه.

Back to square one means that a plan failed and you must start again.

Back to square one یعنی یک برنامه شکست خورده و باید از اول شروع کنید.

Right.

درست است.

We often use it after an attempt does not work.

معمولا وقتی تلاشی نتیجه نمی‌دهد از آن استفاده می‌کنیم.

For example: the computer lost our work, so we are back to square one.

مثلا: رایانه کارمان را پاک کرد، پس دوباره به نقطه اول برگشته‌ایم.



Notice the pattern: be back to square one, or go back to square one.

به ساختار توجه کنید: *go back to square one* یا *be back to square one*.

It does not mean failure forever.

این به معنی شکست همیشگی نیست.

You simply begin again.

فقط دوباره شروع می‌کنید.

So, Julia, did everybody go home?

پس جولیا، همه رفتند خانه؟

No. One friend invited us to her apartment.

نه. یکی از دوستانمان ما را به خانه‌اش دعوت کرد.

Ah.

آهان.

The disaster changed direction.

ماجرای مسیر دیگری پیدا کرد.

We ordered pizza, played music, and talked for hours.

پیتزا سفارش دادیم، موسیقی گذاشتیم و ساعت‌ها حرف زدیم.

Then the rain was a blessing in disguise.

پس باران اتفاق بدی بود که در نهایت نتیجه خوبی داشت.

Exactly.

دقیقا.

A blessing in disguise is something that looks bad at first but later produces a good result.

A blessing in disguise چیزی است که اول بد به نظر می‌رسد، اما بعد نتیجه خوبی دارد.

Losing one opportunity can be a blessing in disguise if it leads to a better one.

از دست دادن یک فرصت ممکن است در نهایت به نفع شما باشد، اگر شما را به فرصت بهتری برساند.

The key idea is contrast: bad at first, good later.

نکته اصلی تضاد است: اول بد، بعد خوب.

We normally use it after we can see the unexpected benefit.

معمولا وقتی از آن استفاده می‌کنیم که فایده غیرمنتظره را دیده باشیم.

Which brings us to our third expression: go with the flow.

و این ما را می‌رساند به عبارت سوم: *go with the flow*.

To go with the flow means to accept what is happening and adapt.

Go with the flow یعنی اتفاقی را که در حال رخ دادن است بپذیرید و خودتان را با آن سازگار کنید.



My picnic was gone.

پیک‌نیکم از بین رفته بود.

I could complain all afternoon, or I could go with the flow and enjoy the pizza.

می‌توانستم تمام بعدازظهر شکایت کنم یا خودم را با شرایط وفق بدهم و از پیتزا لذت ببرم.

It is informal and useful in everyday conversation.

این عبارت خودمانی و در گفت‌وگوی روزمره بسیار کاربردی است.

But it does not mean that you never make decisions.

اما این به آن معنا نیست که هیچ‌وقت تصمیم نمی‌گیرید.

No. It means that being flexible is better in this moment.

نه. یعنی در این لحظه انعطاف‌پذیر بودن بهتر است.

Time for a quick challenge.

وقت یک تمرین سریع است.

We will give you three situations.

سه موقعیت به شما می‌دهیم.

Say the best idiom aloud.

بهترین اصطلاح را با صدای بلند بگویید.

Situation one.

موقعیت اول.

Your first solution does not work, so you must start again.

راه‌حل اولتان کار نمی‌کند، پس باید دوباره شروع کنید.

Back to square one.

.Back to square one

Situation two.

موقعیت دوم.

A cancelled interview gives you time to prepare, and you later get a better job.

مصاحبه‌ای لغو می‌شود، وقت بیشتری برای آمادگی پیدا می‌کنید و بعد شغل بهتری می‌گیرید.

A blessing in disguise.

.A blessing in disguise

Situation three.

موقعیت سوم.

The restaurant is full, so your friends choose another place and you agree.

رستوران پر است، دوستانتان جای دیگری را انتخاب می‌کنند و شما موافقت می‌کنید.



Go with the flow.

.....

.Go with the flow

Now your turn.

.....

حالا نوبت شماست.

Think of one plan that went wrong.

.....

به برنامه‌ای فکر کنید که خراب شد.

Did it send you back to square one?

.....

آیا شما را به نقطه اول برگرداند؟

Did it become a blessing in disguise?

.....

آیا در نهایت نتیجه خوبی داشت، با اینکه اول بد به نظر می‌رسید؟

Or did you simply go with the flow?

.....

یا فقط خودتان را با شرایط وفق دادید؟

Say one sentence aloud now.

.....

حالا یک جمله با صدای بلند بگویید.

Excellent.

.....

عالی.

Today you learned back to square one, a blessing in disguise, and go with the flow.

.....

امروز go with the flow و back to square one, a blessing in disguise را یاد گرفتید.

Open this episode at Your English Toolbox dot com for the transcript, translations, and Practice Arena lesson.

.....

این اپیزود را در Your English Toolbox دات کام باز کنید تا متن، ترجمه‌ها و درس Practice Arena را ببینید.

One situation.

.....

یک موقعیت.

Three useful expressions.

.....

سه عبارت کاربردی.

Five minutes.

.....

پنج دقیقه.

See you next time.

.....

تا دفعه بعد.

